

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین – دهم نومبر ۲۰۱۴

۱۹۸۹ – سالی تاریخی در جغرافیای جهان

جان کندن لغمانی، خوراک مغل

دیروز، نهم نومبر ۲۰۱۴، را دولت المان با یادها و یاددانهایی پر کش و فش برگزار کرد. دقیقاً ۲۵ سال پیش، در همین روز دیوار مخوف برلین سقوط کرده و زمینه اتحاد مجدد جرمنی را فراهم نمود. پیش از آن در همین سال، شاهد رویدادهای خطیر دیگر هم هستیم، که زمینه وحدت دوباره المان و تغییر نقشه جغرافیائی دنیا را مهیا ساخت، اما ذهن و حافظه کوتاهنظران خود را از آن یکسره فارغ نگه میدارد.

دقیقاً به تاریخ پانزدهم فبروری همین سال ۱۹۸۹ بود که آخرین قطعات قوای اشغالگر شوروی امپریالیستی از طریق پل آهنین دریای آمو از وطن ما خارج گردیدند. جنرال بوریس گروموف، که قومندان اردوی اشغالگر شوروی در افغانستان بود، به شکل سمبولیک آخرین فردی از اردوی سرخ بود، که خاک افغانستان را ترک میکرد. به یادم هست، که در تلویزیونهای جهان این صحنه را مکرر اندر مکرر نشان میدادند؛ و نشان میدادند که قوای اشغالگر روسی با چه شرمساری و سرشکستگی وطن ما را ترک میگفتند. و خوب هم به یادم مانده است، که وقتی گروموف در همان پل آمو با پسرش پیوست، حتی یکبار هم به عقب نظر نکرد. گوئی ضرب شست این شکست زهره جنرال روس را ربوده بود، تا لااقل یک بار روی خود را دور میداد و از خاک پاک افغانان پوزش میخواست؛ خاک پاک را که ده سال مکمل با خون آغشته بود!!!

شکست روسیه سوسیال امپریالیستی در افغانستان، سرآغاز تمام رویدادهای تاریخی بود که اندر همین سال و سالهای بعدی به وقوع پیوستند و نقشه جغرافیائی اروپا و آسیا را دگرگون و زیر ساختند. کسانی و ممالکی که در اروپا و آسیا از برکت شکست شوروی در افغانستان، شاهد پیروزی و عروس خوشگل آزادی را به آغوش گرفته بودند، حتی یک بار هم سر در گریبان تأمل فرو نکردند، تا از فداکاریهای افغانان در جنگی، که جهانی را از قید اسارت روس آزاد ساخته بود، تشکر کنند. اینها فکر کرده بودند، که باصطلاح انقلابات صلح آمیز و انقلابهای نارنجی و ارغوانی و زرد و سفید و غیرهم - یعنی انقلاباتی که طی آن بینی کسی هم خون نشد - ایشان را به مراد رسانیده بودند.

بگذار که تاریک نگاران، هر طور دلشان میخواهد رویدادهای تاریخی را ثبت تاریخ کنند؛ من مگر بدین باورم که تاریخ از خود وجدانی دارد، که در آن هر کم و زیاد و بیش و کم، ثبت میگردد و ذره ای از خیر و شر از چشم تیزنگر و بی پروایش مکتوم نمیماند. بگذارید، که ناسپاسان در اوقیانوس غرور بی معنی و فراموشکار خود غوطه ور بمانند؛ ما افغانان مگر میدانیم که سرنوشت اروپای شرقی - به شمول اتحاد دوباره المان - و سرنوشت پیمان وارسا و سرنوشت ممالک تحت سلطه شوروی در آسیا در میدانهای جنگ افغانستان و از برکت و ضرب شمشیر دلاوران افغان مسجل گشته است!!!

سیاستمداران و باصطلاح چیزفهمان المانی و اروپائی، در ارتباط این همه تحولات عظیم تاریخی، برای هر خس و خاشاکی رولی قائل گشته اند، ولی از رول قاطع و قطعی میدانهای جنگ افغانستان یکسره طفره میروند. وقتی این همه ناسپاسی را میبینم، همان ضرب المثلهای مشهور کابلی به یاد می آید، که:

جان کندن لغمانی، خوراک مُغل!!!

و

کی گنده جان و جسکه، کی خورده نان و مسکه؟؟؟

از برکت جانفشانیها و فداکاریهای آزادگان افغان، جهانی به نان و نوا و بستر گرم رسیدند، مگر جانفشانان و فداکاران، خود در خاکستر نرم نشسته ماندند!!!
در بین تمام روشنفکر المانی مگر فردی بود - و او شاید یگانه فردی بود که بدین باور بود - که اعتقاد خود را در همه جای بدون ترس و لرز بر زبان می آورد. این مرد دلیر المانی، "پیتر شل لتور" Peter Scholl-Latour نام داشت، که در یکی از کتابهای پر آوازه خود به نام "شمشیر

اسلام" رول جنگ افغانستان را در زیر و زیر کردن نقشه جغرافیای جهان این طور بیان میدارد:

«که باور کرده میتوانست، که از دره های هندوکش، تکانی به تاریخ داده شود؟؟؟»
بلی؛ در همینجا بود، که تجزیه امپراتوری شوروی آغاز یافت!!!»*

* - صفحه ۱۲۸ Das Schwert des Islam اثر "پیتر شل لتور" Peter Scholl-Latour، انتشارات Wilhelm Heyne مقیم میونشن
پیتر شل لتور، نامه نگار، پروفیسر و مؤلف فرانسوی الاصل جرمنی، به تاریخ شانزدهم آگست امسال، ۲۰۱۴، به عمر نود و یک سالگی پدرود حیات گفت؛

یادش گرامی باد و یادگار هایش جاودان!!!